



## The Right to Receive Humanitarian Assistance in Armed Conflicts and Natural Disasters from the Perspective of International Law

Mehrasa Mohebbi<sup>1</sup>, Karan Rohani<sup>2\*</sup>, Reza Nasiri Larimi<sup>1</sup>

1. International Law Group, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. International Law Group, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** One of the hallmarks of the modern age is the expansion and expansion of international relations between nations. This results in the occurrence of natural disasters in which human beings have no role and even in cases where human beings themselves cause irreparable events such as war. Relationships between countries to help those affected in these incidents are maintained and this is not a prerequisite for countries to refrain from providing assistance, as most of these accidents affect children, women, the elderly and people with disabilities. To be. One of the most fundamental principles of the International Red Cross and Red Crescent Movement is the principle of humanity, which requires that all human beings receive humanitarian aid in order to reduce their human suffering. In this thesis, we intend to articulate the theoretical foundations of this right in line with international documents and describe the barriers and limitations of humanitarian assistance in armed conflicts and natural disasters.

**Method:** This research is of a theoretical type, the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based, referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

**Results:** Dealing with the situation of victims in armed conflicts and natural disasters is one of the important issues in the field of international law and especially international humanitarian law. On the other hand, the right to receive humanitarian aid is closely related to fundamental human rights. In other words, the violation of fundamental human rights leads to the indirect violation of the Universal Declaration of Human Rights, especially the principle of humanity, which is one of the principles of the International Red Cross and Red Crescent Movement.

**Conclusion:** To determine the right to receive humanitarian aid, we must consider two indicators: in the first place, the relationship of the right to receive humanitarian aid with fundamental human rights and in the second place, the relationship of this right with international humanitarian law. In other words, if we ignore receiving humanitarian aid, this will cause countless human tragedies and even in more severe cases, the violation of these rights will be considered a war crime, such as forced starvation. In this article, we intend to state the theoretical foundations of this right in line with international documents and describe the obstacles and limitations of receiving humanitarian aid in armed conflicts and natural disasters.

**Keywords:** Humanitarian Assistance; Natural Disasters; Armed Conflict Humanitarian Aid; Natural Disasters; Armed Conflicts; The Right to Receive Humanitarian Aid

**Corresponding Author:** Karan Rohani; **Email:** [Karanrohani@yahoo.com](mailto:Karanrohani@yahoo.com)

**Received:** August 29, 2021; **Accepted:** January 01, 2022; **Published Online:** January 19, 2023

### Please cite this article as:

Mohebbi M, Rohani K, Nasiri Larimi R. The Right to Receive Humanitarian Assistance in Armed Conflicts and Natural Disasters from the Perspective of International Law). *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e64.



## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



# حق دریافت کمک‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه و سوانح طبیعی از منظر حقوق بین‌الملل

مهر آسا محبی<sup>۱</sup>، کارن روحانی<sup>۲\*</sup>، رضا نصیری لاریمی<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.  
۲. گروه حقوق بین‌الملل، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** از آنجایی که حق بر دریافت کمک بشردوستانه با حقوق بنیادین انسان‌ها دارای ارتباط مستقیم می‌باشد و از جمله حقوق بنیادین انسان‌ها می‌توان به حق حیات، حق غذا و حق آب و... اشاره نمود و این دسته از حقوق در زمره مصادیق حقوق بشر پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قالب یک اصل کلی وارد واژگان حقوق بین‌الملل موضوعه شده است. همچنین با عنایت به اینکه یکی از اصول مهم و بنیادین نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، اصل انسانیت می‌باشد که بر اساس آن همه انسان‌ها به صرف انسان بودن نیازمند دریافت کمک‌های بشردوستانه بوده تا از این طریق آلام بشری‌شان کاهش یابد، لذا رسیدگی به این موضوع امری مهم تلقی می‌شود.

**روش:** این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان در مخاصمات مسلحانه و حوادث طبیعی یکی از موضوعات مهم در عرصه حقوق بین‌الملل و به ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. از طرفی حق بر دریافت کمک بشردوستانه با حقوق بنیادین بشر دارای ارتباطی نزدیک و به هم پیوسته است. به عبارت دیگر، نقض حقوق بنیادین انسان منتهی به نقض غیر مستقیم اعلامیه جهانی حقوق بشر به ویژه اصل انسانیت که در زمره اصول نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است نیز می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** برای تعیین حق بر دریافت کمک بشردوستانه باید دو شاخص را در نظر بگیریم: در وهله اول ارتباط حق دریافت کمک بشردوستانه با حقوق بنیادین انسان‌ها و در وهله دوم، ارتباط این حق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه. به تعبیری دیگر در صورتی که نسبت به دریافت کمک بشردوستانه بی‌اعتنا گردیم، این امر سبب می‌شود فجایع انسانی بی‌شماری به بار آید و حتی در مواقع شدیدتر نقض این حقوق در زمره جنایات جنگی محسوب گردد، مانند گرسنگی اجباری. در این مقاله در نظر داریم مبانی نظری این حق را در راستای اسناد بین‌المللی بیان نموده و موانع و محدودیت‌های دریافت کمک بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه و سوانح طبیعی را توصیف نماییم.

**واژگان کلیدی:** کمک بشردوستانه؛ سوانح طبیعی؛ مخاصمات مسلحانه؛ حق دریافت کمک بشردوستانه

نویسنده مسئول: کارن روحانی؛ پست الکترونیک: [Karanrohani@yahoo.com](mailto:Karanrohani@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mohebbi M, Rohani K, Nasiri Larimi R. The Right to Receive Humanitarian Assistance in Armed Conflicts and Natural Disasters from the Perspective of International Law). Medical Law Journal. 2022; 16(57): e64.

## مقدمه

بشر از آوان زندگی از فاجعه و بلا در وحشت زیسته است و سوانح طبیعی همچون کابوسی برای او نمود یافته است. در دنیای کنونی نیز با وجود رشد علم و تکنولوژی، اگرچه تا حدی توانسته این بلا یا را پیش‌بینی نماید، اما بازهم با این وجود نگران خشم طبیعت، بلایا و حوادث می‌باشد و برای مقابله با آن روش‌های گوناگونی را به کار برده است. در این میان مخاصمات مسلحانه یا جنگ و استفاده از سلاح‌های پیشرفته که توسط خود انسان‌ها ساخته می‌شود بر این نگرانی افزوده است و سبب گردیده نهادهای بین‌المللی برای برون‌رفت از این بحران‌ها چاره‌ای بیندیشند (۱). در این راستا جهت رهایی از این بحران‌ها نیاز کمک به این‌گونه کشورها و یا دولت‌هایی که در معرض این‌گونه حوادث اعم از طبیعی یا ساخت دست بشر قرار می‌گیرند، بیش از پیش احساس می‌شود، لذا بر اساس گزارش کمیسیون حقوق بشر اسلامی در سال ۱۳۹۸، بررسی مسأله دریافت کمک به ویژه بشردوستانه خواه در سوانح طبیعی و خواه در مخاصمات مسلحانه از آنجایی حائز اهمیت و بذل توجه جدی می‌باشد که در صورت عدم دریافت آن تهدیدی برای افراد آسیب‌دیده محسوب شده و نقض آن سایر حقوق اساسی بشر را نیز تحت شعاع خود قرار داده، سبب می‌گردد چالشی جدید برای کمک‌رسانی به وجود آید. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد، این است که آیا کشورهای آسیب‌دیده اعم از جنگ و سوانح طبیعی می‌توانند از دریافت کمک‌های بشردوستانه سر باز زنند؟ آیا دریافت کمک‌های بشردوستانه حقی برای کشورهای آسیب‌دیده ایجاد می‌کند؟ آیا کشورهایی که در معرض آسیب قرار ندارند، تکلیفی در جهت کمک‌رسانی به کشورهای آسیب‌دیده دارند؟ و می‌توان آن‌ها را به دلیل اینکه مانع دریافت کمک‌های بشردوستانه شده‌اند، مورد بازخواست قرار داد و بعضاً در مجامع بین‌المللی مطرح نمود؟ مسأله بعدی که در گزارش کمیسیون حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۳۹۸ مطرح شد، این است که آیا قوانین بین‌المللی این اجازه را به دولت‌ها

می‌دهند تا از ارسال کمک به کشورهای آسیب‌دیده امتناع ورزند، در غیر این صورت تا چه اندازه این اجازه را به آن‌ها خواهند داد؟ لذا در این پژوهش، محقق در پی آن است که حق دریافت کمک بشردوستانه در سوانح طبیعی و مخاصمات مسلحانه در پرتو حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار دهد.

## روش

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

## یافته‌ها

دست‌آورد ما در این مقاله آن است که دولتی که خود نمی‌تواند نیازهای ضروری آسیب‌دیدگان را تأمین نماید، چنانچه از رضایت‌دادن امتناع ورزد، می‌توان با به کارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز موافقت او را اخذ و یا به رساندن کمک مبادرت نمود، اما باید به خاطر داشت که امتناع حتی مداوم دولت از موافقت با عبور آزادانه کمک‌ها به هیچ روی موجبی برای توسل به زور مگر در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد نخواهد بود.

## بحث

۱. **حقوق بشردوستانه:** ریشه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضرورتی نشأت‌گرفته از پدیده‌ای تلخ و شوم به نام مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است، در حال حاضر، وقوع چنین مخاصماتی اجتناب‌ناپذیر است و حیات بشری و کرامت او را به شدت تهدید می‌نماید، در این راستا توجه بیشتر به قواعد مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و رعایت دقیق آن‌ها در مخاصمات مسلحانه امری ضروری و حیاتی است، چراکه حقوق بین‌الملل بشردوستانه از لحاظ تاریخی شامل حقوق لاهه و حقوق ژنو می‌باشد، اما امروزه، این حقوق

به صورت مجموعه واحد در نظر گرفته می‌شود، یعنی به طور همزمان هم شامل حقوق لاهه است و هم شامل حقوق ژنو، تصویب پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ بیانگر این مطلب است. در گذشته حقوق بین‌الملل بشردوستانه از دوشاخه جداگانه تشکیل می‌شد: ۱- حقوق لاهه: مجموعه مقرراتی که عموماً شهر لاهه تنظیم شدند و هدفشان این بود که حق دولت‌ها را در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی محدود کنند. نمونه این اسناد معاهدات مصوب ۱۸۹۹ و ۱۹۰۸ لاهه؛ ۲- حقوق ژنو: مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر ژنو تنظیم شدند و هدفشان حمایت از افرادی بود که در درگیری‌های مسلحانه شرکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری‌ها پایان داده‌اند. مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ هستند، اما با تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ که همزمان هر دوگونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت. حقوق بین‌المللی بشردوستانه بنا به تعریف آن، مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها، قواعدی را نیز در خصوص مخاصمات تعیین می‌نماید تا دولت‌ها نه تنها نتوانند آزادانه به هرگونه عملی خشونت‌آمیز در این خصوص دست بزنند، بلکه متناسب با شرایط به گونه‌ای که سبب آلام بیشتر بشری نگردد، اقدام نمایند و حقوق ذاتی انسان‌ها حفظ شود. در واقع حقوق بشردوستانه، حقوق انسانی زمان جنگ است. این حقوق لازمه‌الرعايه در زمان جنگ و درگیری مسلحانه بوده و ماهیت حقوق بشری دارد (۲). از لحاظ تاریخی، حقوق بین‌المللی بشردوستانه، ریشه‌اش در قواعد مذهبی و مدنی کهن است تدوین جهانی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قرن نوزدهم آغاز شد. این قواعد یک نمای دقیق را بین نگرانی‌های بشردوستانه و نیازهای نظامی کشورها ایجاد نموده است<sup>۱</sup> (۳).

**۲. مبانی و جایگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه:** در اینجا رابطه اصول حقوق بشردوستانه و اصول مشترک حقوقی ملت‌های متمدن و اصول فرعی و جزئی ناشی از منابع حقوق بشردوستانه (معاهده، عرف، رویه قضایی و اندیشه حقوقی)، را

به طور خلاصه بیان می‌شود (۴): ۱- مکتب‌های حقوق طبیعی و فطری (۵)؛ ۲- مکتب حقوق ارادی (۵).

۱- مکتب‌های حقوق طبیعی و فطری، مکتب حقوق طبیعی، به اندیشه‌های حقوقی گفته می‌شود که بر اساس و مبنای حقوق را در محدود و قلمرو الهیات، طبیعت، عقل و اخلاق جستجو می‌شود. حقوق فطری، در مقابل و برابر حقوق وضع شده به کار می‌برند، حقوق وضع شده مجموع قواعدی است که در زمان معینی و بر ملت معینی و مشخصی اجرا می‌شود، اما حقوق فطری به قواعدی گفته می‌شود که برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است (۵). در مذهب مسیح حقوق فطری و طبیعی ناشی از اراده خداوند و احاطه او بر جهان دانسته شده و حقوق ناشی از اراده اوست.

در همین رابطه می‌توان گفت: Saint Thomas d'Aquin فیلسوف مذهبی قرن یازدهم میلادی (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م.) با ترکیبی از عقل و ایمان، قوانین را به سه دسته تقسیم نموده است: ۱- الهی؛ ۲- فطری یا طبیعی؛ ۳- بشری.

قوانین الهی بی‌واسطه از طریق وحی وضع شده است، کسی در آن دخل و تصرفی ندارد... قوانین طبیعی یا فطری، جلوه و نشانه‌ای از مشیت و خواست الهی است که بشر آن را به نیروی عقل به دست می‌آورد و آن را می‌یابد، اما قوانین بشری زاده و تراوش فکر انسان می‌باشد و برعکس دو نوع قبلی (الهی و طبیعی یا فطری) از منبعی پایین‌تر از حقوق فطری بهره‌مند می‌شود. این قوانین برای حفظ نظم عمومی ممکن است برخلاف قوانین فطری باشند، ولی مخالفت با قوانین الهی نابخشودنی است.

حقوق بشردوستانه در اسلام، در اسلام اگر کلیه اصول و قواعد حقوق طبیعی و فطری را در برابر حقوق وضع شده دولت قرار بدهیم به شکل و نحو کلی حقوق اسلامی یک نوع حقوق فطری و طبیعی است که از منبع فیض الهی و مستقلات عقلی نشأت گرفته و حاوی اصول اخلاقی و عقلی است که رهبران و حاکمان سیاسی و قضایی را در قید و بند خدا کشیده است، تا برخلاف عدالت سرمدی کامی برندارند، با این بیان حقوق اسلامی در گروه حقوق فطری و طبیعی قرار دارد، ولی اگر در

و ستمکاری و حرص سیری‌ناپذیر قدرت حاکم بیش از هر آشوب دیگر زیانبار می‌باشد.

در این خصوص Roso با اندیشه محو زورگویی و استبداد پدیده جنگ را چنین تحلیل کردند که از جنگ به هیچ وجه رابطه انسان با انسان نیست، بلکه رابطه میان دولت‌هاست که در آن اشخاصی به طور تصادفی و نه به عنوان انسان و حتی نه به عنوان شهروند، بلکه به عنوان سرباز با هم دشمن می‌باشند، چون هدف از جنگ ویران کردن قدرت حاکم دشمن است. پس کشتن مدافعان کشور دشمن مادام که در جنگ شرکت دارند مشروع است، ولی پس از کنار گذاشتن سلاح و یا تسلیم و... دیگر دشمن یا نماینده دشمن نمی‌باشد و دوباره انسان می‌شوند و سلب زندگی آن‌ها مشروع نیست (۵).

پس می‌توان در این خصوص گفت که اصل کرامت ذاتی انسان به عنوان محور حقوق طبیعی و حقوق بشردوستانه پذیرفته شده است. بنابراین اندیشه‌های روسو و دیگران در رویه نظامی جنگ‌های پس از انقلاب کبیر فرانسه و معاهدات بشردوستانه بوده و از قواعد عرفی و معاهدات بشردوستانه از تفکرات فیلسوفانه و انسان‌محوری آنان نشأت گرفته است (۶). بنابراین اگر اعمال ضد انسانی در معاهدات بین‌المللی به صورت آشکار و صریح ممنوع نشده باشد و این اعمال به منزله مباح بودن آن‌ها هم نمی‌باشد.

۲- حقوق بشردوستانه در پرتو مکاتب حقوقی، در این خصوص می‌توان گفت: اندیشه حقوق فطری در قرن بیستم متأثر از اندیشه‌های تحقیقی و جامعه‌شناختی و تاریخی و اندکی کم فروغ گردید. به خصوص در حقوق بین‌المللی، حقوق ارادی (معاهده و عرف) جایگاه نخست و اول منابع حقوق را به خود اختصاص دادند. مکتب‌های مختلف تاریخی و جامعه‌شناختی و تحقیقی همه در افکار اصول حقوقی طبیعی و تکیه بر واقعیت‌های اجتماعی هم‌صدا هستند (۷).

ریشه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضرورتی نشأت گرفته از پدیده‌های تلخ و شوم به نام مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی است، در حال حاضر، وقوع چنین مخاصماتی اجتناب‌ناپذیر است و حیات بشری و کرامت او را

حوزه حقوق فطری و طبیعی، قواعد حقوقی را به الهی و فطری و عقلی تقسیم کنیم، مانند همان صورتی که فیلسوفان مسیحی بیان کرده‌اند در قلمرو و حیطة حقوق فطری مورد گفتگو و بیان قرار می‌گیرد.

خداوند بر اساس اصول عدالت عمل می‌کند و اداره خداوند عین عدالت است و هیچ لزومی ندارد که بر اساس عدل خارجی باشد.

«اما در دوران معاصر و از سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی رفته، حقوق فطری بیشتر متکی به دلایل عقلی و فلسفی و جامعه‌شناختی و اصول عملی گردید. برای اصول و قواعد حقوق فطری دلایل عقلی و عملی بیشتر ارائه کرده‌اند، در این خصوص، گروسیوسی در کتاب مبانی حقوق بین‌المللی عمومی حقوق را قاعده می‌داند که عقل سلیم با فطرت اجتماعی او سازگار می‌بیند، به اعتقاد او حقوق طبیعی قواعدی است که عقل آن‌ها را موافق طبیعت اجتماعی انسان می‌داند (۵).

این قواعد حتی اگر خدایی نباشد، باز هم وجود دارد، چون انسان موجودی است غافل و اجتماعی، ولی حقوق ارادی یا از اراده خداوند می‌باشد یا اراده بشر و حقوق بین‌الملل نیز قدرتش را از اراده دولت می‌گیرد. Grotius حقوق طبیعی را بر حقوق موضوعه مقدم می‌داند، زیرا حقوق طبیعی بر کلیه اراده‌های ملت‌ها و دولت‌ها تحصیل می‌شود و روابط آن‌ها را تنظیم می‌کند، پس حقوق طبیعی را برون ذاتی، یعنی بیرون از ادراک‌ها و حقوق ارادی را درون ذاتی می‌داند.

Kant در مورد تعریف حق می‌گوید: «حق عبارت است از هر عملی که بنا بر مبنای خود و با طبق قانون کلی اختیار و ارادی هر فرد با اختیار و آزادی هر فرد دیگر هماهنگ باشد.»

Kant در مورد حقوق بین‌الملل و لزوم تشکیل جامعه جهانی می‌گوید، هرچند در وضعیت طبیعی دولت‌ها مالکیت دارند، اما این وضعیت با جنگ از میان می‌رود. بنابراین همانطور که اشخاصی باید از وضع طبیعی در گذرند و دولت سیاسی مستقر شوند، وظیفه ملت‌ها این است که دولتی جهانی و متحد بسازند صلح و آرامش حکم‌فرما شود (۵). آرامش و امنیت داخلی وظیفه (منسوب) حکمران، در برابر جاه‌طلبی‌ها

به عنوان کمک بشردوستانه مطرح گردد نه کمک، بلکه رفتار بشردوستانه است (۱۰). برجسته‌ترین نمود کمک‌های بشردوستانه در سال ۱۷۵۵ بعد از وقوع رنسانس در اروپا و در زمان وقوع زلزله «لیسبون» باشد. در این زمان است که (کینگ جرج دوم) پادشاه انگلستان از پارلمان در خواست می‌نماید که کمک‌های سریع و مؤثری را برای پرتغالی‌ها ارسال نمایند (۱۱). آنچه پس از این جنگ به وجود آمد، این حقیقت بود که وقتی انسانی در موقعیت بحرانی قرار می‌گیرد، صرف نظر از اینکه او چه عقیده و باوری دارد نیازمند کمک است و باید به او کمک نمود. Henry Donan در خاطراتش به شکلی ملموس این واقعیت را در قسمت‌های مختلف به نمایش می‌کشد (۱۲). با این وجود، نظریات و عملکرد Henry Donan در شکل‌گیری مفهوم کمک‌های بشردوستانه بسیار باارزش بوده و سبب گردیده این مفهوم را با خصوصیات حقوقی در هم آمیزد. سه سال بعد از این جنگ‌ها (سولفرینو) در جنگ (کریمیه) که در سال ۱۸۵۹ میلادی رخ داد، کمک‌های بشردوستانه در سطح وسیع‌تری به اسرای جنگی و زخمی‌ها ارائه شد تا اینکه بالاخره در ۱۸۶۳ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأسیس می‌شود (۱۳). تشکیل این سازمان سبب گردید که به عنوان یک نهاد بی‌طرف و با محوریت قراردادن اصل بشردوستی بتواند به همه افراد نیازمند کمک، کمک‌هایی را ارائه نماید. با این حال، این تنها تحول در شکل‌گیری مفهوم کمک‌های بشردوستانه نبود (۱۳).

**۵. تعریف کمک بشردوستانه:** تعاریف متعددی از کمک بشردوستانه ارائه گردیده است که از آن جمله می‌توان به تعریف کمک بشردوستانه بر اساس کنفرانس گروه لوکزامبورگ که در ۲۴ و ۲۵ می ۲۰۱۲ در ژنو برگزار گردید، اشاره نمود که کمک بشردوستانه عبارتند از مجموعه اقداماتی که در جهت تأمین ملزومات حیات، به کار می‌روند (۱۴)، البته کمک بشردوستانه را می‌توان به عنوان کمک به دیگران در شرایط فاجعه‌آمیز صرف نظر از عواملی چون رنگ، نژاد، مذهب و عنصری از این دست هم معنا نمود (۱۵)، به طور کلی، کمک بشردوستانه عبارت است از اقدام حکومت‌ها یا نهادهای

بشدت تهدید می‌نماید. حقوق بین‌الملل بشردوستانه در بردارنده دو مفهوم اصلی است: اول اینکه اعلام می‌کند که هنگام درگرفتن درگیری مسلحانه، حق دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی نامحدود نیست و آن‌ها فقط می‌توانند از آن دسته از روش‌ها و سلاح‌های جنگی استفاده کنند که رنج زائد و غیر انسانی ایجاد نکنند؛ دوم اینکه، از حیات، سلامت و کرامت انسان‌هایی که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده‌اند (شامل غیر نظامیان، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران) حمایت می‌کند.

**۳. پیشینه کمک بشردوستانه:** تاریخچه کمک‌های بشردوستانه پیشرفته و مبدأ آن مشخصاً از وقوع جنگ سولفرینو در سال ۱۸۵۹ و زمانی است که تاجر سوئیس «Henry Donan» در جریان سفر خود اقداماتی را انجام داد که سرانجام این اقدامات به تشکیل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ منجر شد (۸)، البته بعد از این تاریخ نیز برخی تاریخچه کمک‌های بشردوستانه را به سه دوران تقسیم می‌کنند. اول: دوره‌ای که (Henry Donan) بنیانگذار نهضت صلیب سرخ می‌شود و به زخمی‌های جنگ و اسرا کمک می‌کند؛ دومین دوره فعالیت‌های بشردوستانه‌ای است که از ابتدا دهه ۱۹۶۰ میلادی با جنبش دکترها و پرستارها برای کمک به مردم آسیب‌دیده آغاز می‌شود و دوره سوم را که عصر جدید به حساب می‌آید زمان سلطه رسانه‌ها بر کمک‌های بشردوستانه می‌دانند (۹).

**۴. کمک بشردوستانه قبل و بعد از جنگ سولفرینو:** پیش از وقوع جنگ سولفرینو در واقع مفهوم کمک‌های بشردوستانه در عمل امری ناشناخته بود و آنچه که در چارچوب این مفهوم قرار می‌گرفت نحوه برخورد با اسرای جنگی و طرف دیگر جنگ بود. با وجود چنین فلسفه‌ای کمک‌های بشردوستانه به شکل امروزی وجود نداشت، البته از منظر مذهبی، در برخی از مذاهب از جمله مسیحیت مواردی وجود داشت بر این باور که باید با دشمن نیز رفتاری انسان‌دوستانه داشت (۱۰). در شرایطی که اصل بر جنگ است نباید انتظار رحم و شفقت آن چنانی داشت. به این ترتیب، آنچه در این دوران بیشتر می‌تواند

عدم تحقق این هدف مهم سازمان ملل متحد تلقی نمود. برای مثال حق حیات از جمله در قطع‌نامه‌های ۷۱۳، ۷۲۱ و ۷۸۰ شورای امنیت مورد توجه قرار گرفته است، اما شورا حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی و حق غذا را به طور مستقیم مورد اشاره قرار نداده است، در حالی که شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد، در قطع‌نامه‌های ۸۵۹ و ۹۰۰ به تسهیلات عمومی، آب، برق، سوخت و سامانه ارتباطی اشاره نموده است. به طور کلی در قطع‌نامه‌های شورای امنیت به ندرت به حقوق بین‌المللی بشر اشاره شده است فقط در قطع‌نامه‌های ۷۵۷ و ۷۸۷ از «حمایت مؤثر از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» صحبت می‌شود و از آنجایی که عدم دریافت کمک بشردوستانه خود نقض صریح و مستقیم برخی حقوق بشری می‌باشد، لذا در نظر گرفتن آن به عنوان یک حق می‌تواند در مجامع بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد و پا را فراتر گذاشته و حتی ضمانت اجرا جهت عدم تحقق آن برای کشورها متصور نمود. در این زمینه مجمع عمومی نیز به نقض گسترده، فاحش و نظام‌مند حقوق بشر «قطع‌نامه ۴۹/۱۰» اشاره می‌کند و خاطرنشان می‌سازد، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد در تعهد به پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حمایت از آن‌ها هستند (قطع‌نامه ۵۰/۱۹۳)، به علاوه در حالی که شورای امنیت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر اشاره نمی‌کند، مجمع عمومی در قطع‌نامه‌های ۴۹/۱۹۶ و ۵۰/۱۹۳ تقریباً به همه اسناد مربوط به موضوع اشاره می‌کند و در قطع‌نامه نخست به دولت‌ها یادآور می‌شود به تعهدات خود بر اساس اسناد حقوق بشری که طرف آن هستند، عمل نمایند و به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن دریافت کمک بشردوستانه به مثابه یک حق بتوان تعهدی را نیز متوجه کشورهای ثالث نمود.» در این راستا ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۸) که حقوقدانان و اکثر دولت‌ها آن را قاعده عرفی بین‌المللی می‌دانند این‌گونه به نظر می‌رسد که بتوان اعلام کرد، که در عرصه بین‌المللی و در راستای ارائه کمک‌های بشردوستانه برای کشور آسیب‌دیده حقی به عنوان حق کمک بشردوستانه وجود دارد. توجه به

خصوصی به تأمین وجوه مورد نیاز یا خدمات (مانند تدارکات یا حمل و نقل در پاسخگویی به بحران‌های بشردوستانه است که معمولاً از طریق کارگزاری‌های بشردوست یا حکومت‌های کشور مصیبت‌زده صورت می‌گیرد (۱۶). مروری بر عملیات متفاوت با اقدام سنتی در زمینه امدادسانی پنج دسته اقدامات در حوزه کمک بشردوستانه را مشخص می‌سازد که عبارتند از: ۱- اقدام‌های بازدارنده؛ ۲- حمایتی؛ ۳- تنبیهی؛ ۴- زورمندانه؛ ۵- اعاده‌کننده.

۶. **مبانی کمک بشردوستانه به مثابه یک حق:** کمک بشردوستانه در نگاه نخست اقدامی انسانی محسوب می‌گردد که تاکنون به آن به عنوان یک حق نگریسته نشده است، بلکه تنها در حد یک اقدام بشردوستانه و انسانی باقی مانده است، اما با کمی دقت نظر و با عنایت به اسناد بین‌المللی که در زیر اشاره خواهد شد، می‌توان به این نتیجه رسید که در صورتی که این‌گونه کمک‌ها صرف نظر از موقعیت‌های گوناگون اعم از سوانح طبیعی و مخاصمات مسلحانه چنانچه بنا به دلایلی سلب گردد، صدمات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد و سایر حقوق که از مهم‌ترین آن‌ها حق حیات که از حقوق ذاتی انسان‌ها محسوب می‌شود، حق بر غذا، حق مسکن و... نادیده گرفته خواهد شد. کمک بشردوستانه، از منشور، قطع‌نامه‌های ملل متحد و اسناد بین‌المللی حقوق بشر نشأت می‌گیرد. رهایی از نیاز را می‌توان از بند ۳ ماده ۱ منشور بیرون کشید. به علاوه بر اساس مواد ۵۵ و ۵۶ منشور همه دولت‌های عضو تعهد به همکاری با سازمان ملل برای دستیابی به مقاصد مقرر در ماده ۱ منشور را می‌پذیرند (۱۷). ماده ۵۵ مقرر می‌دارد که ملل متحد در جهت احترام مؤثر و جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی خواهد کوشید. از آنجا که هدف کمک بشردوستانه کاهش آلام بشری می‌باشد بر این اساس می‌تواند به عنوان اقدام حداقلی که دولت‌های عضو سازمان ملل متحد با همکاری این سازمان به منظور حمایت مؤثر از حقوق بشر به عمل می‌آورند، تلقی گردد. همچنین از آنجایی که مهم‌ترین هدف تشکیل سازمان ملل متحد همانا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، لذا می‌توان عدم توجه به این حق را سبب

در مواقع حوادث طبیعی و به ویژه مخاصمات مسلحانه سبب سلب حق حیات می‌شود که از جمله حقوق ذاتی و اساسی انسان‌ها است. با توجه به آنچه گفته شد آیا می‌توان نتیجه گرفت که کمک بشردوستانه حقی است که با اجرای حقوق بشر، به عنوان مجموعه حقوق ذاتی، ملازمه دارد؟ گفته شده دولت‌ها بر این باور نیستند حقی به عنوان کمک بشردوستانه وجود دارد که اعتقاد به الزام حقوقی در مورد اجرای آن وجود داشته باشد، آن‌ها دائم از مورد ملاحظه قراردادن کمک بشردوستانه به عنوان یک تعهد بین‌المللی حتی در موارد اضطراری امتناع می‌ورزند و امروزه کشورها بیشتر درصدد این هستند که حق کمتری برای سایر کشورها و تکلیف کمتری نیز برای خود ایجاد نمایند، لذا از پذیرفتن آن به عنوان یک حق سرباز می‌زنند و آن را به عنوان یک امر اختیاری برمی‌شمرند. برای مثال عیب ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است که بر حمایت آزادانه کمک‌دهندگان استوار است (۲۰). روشن است در دنیایی که فقر، نابرابری و محرومیت از خصوصیات بارز آن است ندای عقل سلیم چه می‌تواند باشد، جز رجوع به تمامی روش‌های ممکن و میسر کمک‌های بشردوستانه جهت ارتقای وضعیت زندگی بشر، حذف آلام بشری و اعتلای حقوق بنیادین و بین‌المللی بشری (۱) یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین احساسات انسان، حس بشردوستی می‌باشد، حس بشردوستی سبب گردیده انسان‌ها نسبت به عواطف یکدیگر نه تنها بی‌تفاوت نبوده، بلکه پا را فراتر گذاشته و تا آنجا پیش روند که برای کاهش درد و رنج یکدیگر از هیچ کوششی فروگذار ننمایند (۱)، پس چگونه می‌توان نسبت به این موضوع که عدم دریافت کمک بشردوستانه به ویژه در شرایط اضطراری سبب شدیدترین فجایع که از آن جمله مرگ صدها یا میلیون‌ها انسان می‌باشد بی‌تفاوت بود و اقدامی در این خصوص نکرد.

**۷. اصول حاکم بر کمک بشردوستانه:** مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطع‌نامه شماره ۴۶/۱۸۲ بیان می‌نماید که کمک بشردوستانه باید بر اساس سه اصل بشردوستی (Humanity)، بی‌طرفی (Neutrality)، عدم جانبداری

حق غذا یا رهایی از گرسنگی (۱۹) را می‌توان در متون گوناگون مشاهده کرد، از جمله اعلامیه جهانی محو گرسنگی و سوءتغذیه مصوب کنفرانس جهانی غذا (The World Food Conference) (۱۹۷۶ م.) که در قطع‌نامه (XXIX) ۳۳۸۴ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۴ به تأکید مجمع عمومی رسید (۱۹)، بر این اساس می‌توان اعلام نمود حق دریافت کمک بشردوستانه به طور ضمنی نه صریح در متون بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. بر اساس ماده ۱۲ این اعلامیه، جامعه بین‌المللی در کل مسئولیت دارد مواد خوراکی در همه زمان‌ها برای همه افراد را ضمانت کند. جامعه جهانی این اندیشه را در مورد امنیت جهانی غذا (The International Undertaking on World Food Security) (۱۹۷۴ م.) نیز مشاهده نموده است. در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، حق غذا در استاندارد مناسب زندگی حقی اساسی است. از این رو حق اشاره شده قابل تعلیق نبوده و دارای اعتبار می‌باشد، لذا سلب این حق و عدم دریافت آن به عنوان یکی از عناصر کمک بشردوستانه خود نقض حقوق انسانی بوده و در صورتی که به صورت گروهی صورت پذیرد، به عنوان جرم جنگی محسوب خواهد شد و تبعاتی را به دنبال خواهد داشت. در تفسیر کلی شماره ۱۲ مصوب اجلاس بیستم (۱۹۹۹ م.) کمیته اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در مورد حق برخورداری از غذای مناسب نیز اشاره شده که احتمال دارد دولت‌ها یا دیگر نهادها این حق را به شکل‌های گوناگون، از جمله با جلوگیری از دسترسی به کمک غذایی بشردوستانه در درگیری‌های داخلی یا دیگر وضعیت‌های اضطراری، نقض کنند و در بندهای ۱۹ و ۳۸ گفته شده است که در چنین وضعیت‌هایی دولت‌ها مسئولیت دارند، بسته به میزان توانایی خود، برای تأمین امداد مربوطه به حوادث و کمک‌های بشردوستانه همکاری نمایند (۱۹). پیوند بین حق غذا و حق حیات نیز این نتیجه را به دست می‌دهد که حق غذا در هر وضعیتی اعتبار دارد و قابل تعلیق نیست، زیرا هرگونه تعدی به حق غذا می‌تواند منجر به مرگ ناشی از گرسنگی شود (۱۹) و همانا نتیجه عدم توجه به ضرورت اعطا کمک‌های بشردوستانه



شبهات زیادی به آشوب‌های داخلی دارد، طبق این تعریف هر آشوب داخلی می‌تواند به یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی تبدیل گردد (۲۶)؛ تعریف دیگر تعریفی است که مبتنی بر خصوصیات و مثال است و هدف آن ارائه یک تعریف جامع از این وضعیت‌ها نیست، بلکه ارائه تعریفی است مبتنی بر مفاهیم کلی که قابلیت انعطاف بیشتری داشته باشد (۲۵).

#### ۹. جنگ‌های داخلی صورت‌گرفته و جنگ‌ها و مخاصمات

**مسلحانه غیر بین‌المللی:** غالب نویسندگان این دو مفهوم را به جای یکدیگر به کار برده‌اند (۲۵) و برخی دیگر مفهوم مخاصمه مسلحانه را وسیع‌تر از جنگ پنداشته‌اند (۲۷). در اینجا به بیان برخی تفاوت‌های اشاره‌شده می‌پردازیم، ولی در نهایت از نظر گروه اول تبعیت کرده و این دو مفهوم را واحد پنداشته و به جای یکدیگر بکار خواهیم برد. تفاوت میان «جنگ» و «مخاصمات مسلحانه» به پیشرفت تدریجی حقوق بین‌الملل پس از سال ۱۹۴۵ یعنی زمانی که «اصل عدم توسل به زور» در بند ۴ ماده ۲ گنجانده‌شده باز می‌گردد و از آن زمان به بعد این سؤال مطرح است که آیا واژه «مخاصمه مسلحانه» جایگزین واژه «جنگ» شده و اینکه با وجود اصل عدم توسل به زور آیا «وضعیت جنگ» شکل یک وضعیت قانونی در روابط بین کشورها می‌تواند وجود داشته باشد؟ پس از اینکه دکترین قرون وسطایی «جنگ عادلانه (Just War)» به فراموشی سپرده شد، برای چند صد سال کشورها برای اجرای سیاست خارجی خود به هر وسیله‌ای از جمله جنگ متوسل می‌شدند. در موارد ۱۲، ۱۳ و ۱۵ منشور جامعه ملل و همچنین در پیمان بریان کلوگ، توسل به زور منع شد، بدون اینکه تعریفی از واژه «جنگ» بشود. منشور سازمان ملل از به کاربردن واژه «جنگ» امتناع می‌کند و فقط در مقدمه از واژه «بلای جنگ» استفاده می‌کند و در عوض «تهدید یا توسل به زور» را در بند ۴ ماده ۲ مورد استفاده قرار می‌دهد، بدون اینکه تعریف از رابطه میان متجاوز و مورد تجاوز قرار گرفته «قربانی» ارائه نماید (۲۷). واژه مخاصمه مسلحانه اولین بار در کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در پاراگراف ۱ ماده ۲ مورد استفاده قرار گرفت و این چهار کنوانسیون صلیب سرخ از این جهت نقطه

(Impartiality) ارائه گردد (۲۱). این در حالی است که اصل استقلال (Independence) نیز در قطع‌نامه شماره ۵۸/۱۱۴ مجمع عمومی تصویب شده است. در این قطع‌نامه یکی از دلایل اصلی در نظرگرفتن اصل استقلال، موضوع نگرانی نسبت به حملات عمدی ارتكابی علیه کارکنان بشردوستانه اعم از سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و همچنین عدم دسترسی به آسیب‌دیدگان سوانح طبیعی و به ویژه مخاصمات مسلحانه ذکر شده است (۲۲)، البته باید گفت این اصول، به طور خاص در کمک‌های بشردوستانه اعمال می‌گردند، ولی به طور کلی بخشی از اصول و شرایطی هستند که هر عمل بشردوستانه‌ای باید واجد آن‌ها باشد (۲۳). در این راستا لازم به ذکر است که به مقدمه پروتکل دوم ۱۹۷۷ اشاره‌ای نماییم که در آن اصول بشردوستانه را به عنوان مبنای حمایت از افراد در مخاصمات مسلحانه معرفی کرده است (۲۴).

#### ۸. مخاصمات مسلحانه و کمک‌های بشردوستانه: منازعه

عبارت از تنش و تصادم میان دو فرد، گروه یا دو کشور پیرامون اختلاف نظر، ارزش‌ها، موقف مشخص یا تضاد منافع می‌باشد. منظور از نزاع داخلی مجموعه تنش‌های سیاسی و نظامی و برخوردهای خشونت‌آمیزی است که در داخل سرزمین یک دولت ملی اتفاق می‌افتد. درگیری‌های داخلی ممکن است بین حکومت با مخالفان خود درخصوص نوع رژیم سیاسی یا طبقه حاکمه (با ماهیت قومی یا نژادی) باشد و یا اینکه درگیری بین حکومت و بخش‌هایی از جامعه و سرزمین باشد که دارای اهداف سیاسی متفاوتی با دولت حاکم باشند. به علت پیچیدگی خشونت‌ها و حالت‌های متغیر این اغتشاشات ارائه یک تعریف دقیق از آشوب‌های غیر بین‌المللی (داخلی)، ممکن است عملاً کاربردی نداشته باشد، چراکه با ارائه یک تعریف دقیق، یک دولت می‌تواند ادعا کند که خشونت واقع در سرزمین آن کشور مصداق تعریف مورد نظر نمی‌باشد و قواعد آن قابل اجرا نیست (۲۵). با این وجود برای تعریف از آشوب‌های داخلی از دو شیوه استفاده می‌گردد: شیوه نخست، رجوع به تعریف منازعاتی است که توسط اسناد حقوق بشر تنظیم شده‌اند، خصوصاً مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی که

ژنو سال ۱۹۴۹، پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های مذکور در سال ۱۹۷۷ و معاهدات خاص همانند کنوانسیون منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون ناظر بر کاربرد سلاح‌های متعارف و... می‌باشد.

#### ۱۱. تعریف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر

**بین‌المللی:** چنانچه درگیری مسلحانه‌ای میان دو یا چند کشور روی دهد، این درگیری را بین‌المللی می‌نامند. بر این نوع درگیری‌ها، حقوق بشردوستانه و حقوق بشر به طور کامل حاکم است. لازم به ذکر است که عملیات نظامی سازمان‌های بین‌المللی علیه یکی از کشورها در زمره درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی است. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، تعریفی از درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی ارائه داده است که مورد تأیید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز قرار گرفته است، در این تعریف تجمیع سه معیار ملاک است: درگیری در قلمرو یک کشور، میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح مخالف دولت یا گروه‌های مسلح مخالف با یکدیگر و به صورت طولانی‌مدت: درگیری مسلحانه داخلی یا غیر بین‌المللی نامیده می‌شود.

#### ۱۲. ارائه کمک‌های بشردوستانه در چارچوب سازمان

**ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن:** ارائه کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد معمولاً در چارچوب دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه ارائه می‌شود (۲۹). این دفتر تحت نظر دبیر کل انجام وظیفه نموده و دارای وظایفی می‌باشد که از آن جمله می‌توان موارد زیر را نام برد، ترغیب و تشویق در جهت بازسازی مناطق آسیب‌دیده (بعد از انجام مرحله کمک‌رسانی)، بررسی درخواست‌های کمک‌های فوری، تسهیل دسترسی سازمان‌های کمک‌رسان به مناطق آسیب‌دیده و گذر از مرحله کمک به بازسازی را مورد تشویق و ترغیب قرار دهد (۳۰)، سازمان‌های متعدد فراوانی وابسته به سازمان ملل وجود دارد که عبارتند از: آنکتاد (UNCTAD)، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، برنامه عمران ملل متحد (UNDP)، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) صندوق توسعه ملل متحد برای زنان

عطفی در تاریخ جنگ و مخاصمات مسلحانه به شمار می‌روند، اما در این کنوانسیون‌ها مشخص نشده بود که شرایط و حدود مخاصمات مسلحانه چیست. این ابهام به وسیله پاراگراف دوم ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم سال ۱۹۷۷ که آشوب‌ها و اغتشاشات داخلی را از شمول مخاصمات مسلحانه خارج می‌کرد، حل شد. علاوه بر کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها واژه «مخاصمه مسلحانه» در قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل که از سال ۱۹۶۸ به بعد در خصوص احترام به حقوق بشر «در زمان مخاصمات مسلحانه» به تصویب رسیده، مکرراً به کار رفته است (۲۸). از طرفی باید گفت که فقط این دو واژه مورد بحث نیستند. در حقیقت می‌توان چهار واژه را برشمرد. جنگ، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جنگ داخلی و مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، این چهار واژه به نوعی با یکدیگر مرتبطند. واژه جنگ‌های آزادی‌بخش نیز که تا سال ۱۹۷۷ از اقسام جنگ‌های داخلی به شمار می‌آمد، در پروتکل اول سال ۱۹۷۷، در بند ۴ ماده ۱ به عنوان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی محسوب شد، از لحاظ مقررات قابل اعمال مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را می‌توان به دو قسمت تفکیک نمود: جنگ داخلی با آستانه بالا مثل جنگ‌های داخلی اسپانیا که پروتکل دوم الحاقی در خصوص آن قابل اعمال است؛ جنگ‌های کوچک داخلی که فقط ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را در مورد آن‌ها می‌توان اعمال نمود (۲۷).

#### ۱۰. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات:

حقوق بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. این حقوق رفتار متخاصمان در هدایت شیوه‌های نبرد و به کارگیری ادوات و وسایل جنگی و همچنین حمایت از غیر نظامیان و بیماران و افراد ناتوان از جنگ را تنظیم می‌نماید. به عبارت دیگر این حقوق از یکسو از غیر نظامیان و اموال آن‌ها و از سوی دیگر با محدودسازی شیوه‌های نبرد و کاربرد وسایل و ادوات جنگی از نظامیان حمایت می‌نماید. منابع حقوق بشردوستانه مشتمل بر کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، کنوانسیون‌های چهارگانه

از مجموع کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس رم، ۷ کشور از جمله آمریکا به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رأی منفی داده‌اند که بیانگر مواضع کشور آمریکا در کنفرانس رم می‌باشد (۳۴)، حقوق کیفری بین‌المللی، ایالات متحده آمریکا ماده‌ای تحت عنوان جرائم جنگی به منظور ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان کنوانسیون‌های ژنو، از جمله نقض ماده ۳ مشترک وضع نموده است (۳۵).

اگرچه به نظر می‌رسد این امر به منظورهایی از صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی صورت گرفته است، البته تغییر روش‌ها و ابزارهای مخاصمه چالش‌هایی را در خصوص مسئولیت کیفری به وجود آورده است. در سال‌های پیش رو بیشتر اقدامات بشردوستانه به طور فزاینده‌ای با توسعه‌های تکنیکی جدی شکل خواهد گرفت. از طرفی مخاصمات اخیر افزایش استفاده از سلاح‌های کنترل از راه دور به نام هواپیماهای بدون سرنشین و سلاح‌های خود کار را به خود دیده است. این احتمال وجود دارد که در آینده سیستم سلاح‌ها تماماً خودکار شود و نگرانی‌های خاصی در ارتباط با تطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه به وجود آید. حداقل در خصوص توانایی آن‌ها در تشخیص تمایز بین نامیان و غیر نظامیان و بدین ترتیب مشکلاتی در خصوص مسئولیت به وجود خواهد آمد. خطر دیگر جنگ سایبری که پیامدهای عظیم بشردوستانه با خود به همراه دارد، به عنوان مثال حملات سایبری علیه بیمارستان‌ها، سیستم‌های حمل و نقل، سدها و... از نظر فنی ممکن است و می‌تواند منجر به اختلالات وسیع در زیر ساخت‌ها و خسارات و تلفات قابل توجه غیر نظامیان شود و بالطبع چالش‌هایی را در خصوص مسئولیت کیفری فردی موجب شود، البته کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیشرفت‌های سریع در این حوزه را دنبال می‌کند و اعمال قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه را بررسی می‌کند (۳۶).

در خصوص جرائم داخل در صلاحیت دیوان نیز که در اساسنامه رم مقرر شده است، مسئولیت فردی نقض قوانین مربوط به کمک بشردوستانه با دشواری‌هایی همراه است که در این بند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

(UNIFEM)، برنامه جهانی غذا (WFP)، صندوق توسعه سرمایه ملل متحد (UNCDE)، کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان (UNHCR) صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)، سازمان بهداشت جهانی (WHO) بنیاد کودکان ملل متحد (UNICEF) برنامه اسکان بشر ملل متحد (UN-HABITAT) کارگزاری، همپاری و کار ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) برنامه مشترک سازمان ملل برای ایدز (HIV/AIDS) سازمان تربیتی علمی فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، کارگزاری‌ها یا آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد، سازمان تغذیه و خوار و بار جهانی، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی دریانوردی، برنامه توسعه ملل متحد، اتحادیه جهانی پست، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و... جهت تحلیل شیوه‌های مختلف امدادسانی و ارائه کمک‌های بشردوستانه به بررسی برخی سازمان‌های بین‌المللی وابسته به سازمان ملل می‌پردازیم (۱).

**۱۳. حقوق بین‌المللی کیفری و کمک بشردوستانه:** در سال‌های اخیر، حقوق کیفری بین‌المللی به عنوان سازوکاری مهم در خصوص اجرا حقوق بین‌الملل بشردوستانه از طریق ایجاد مسئولیت فردی در پی نقض قوانین بشردوستانه نقش ایفا کرده است (۳۱). به عنوان مثال عدم پذیرش دسترسی بشردوستانه و کمک بشردوستانه می‌تواند به موجب حقوق بین‌الملل کیفری جنایت جنگی محسوب شود (۳۲). حملات عمدی علیه افراد درگیر در کمک بشردوستانه، به قحطی کشاندن مثال‌هایی در این خصوص می‌باشد و مسئولیت مرتکبان جرائم مورد تعقیب واقع می‌شود. با این حال، کمک بشردوستانه در پرتو حقوق بین‌المللی کیفری با چالش‌هایی مواجه است به عنوان مثال از چشم‌انداز حقوق بین‌الملل کیفری یکی از دشواری‌های اصلی تعریف کمک بشردوستانه است و دشواری دوم تعریف کسی است که هدف حملات باشد (۳۳). مسأله دیگر عدم پذیرش صلاحیت دیوان از سوی برخی از کشورها به ویژه ایالات متحده آمریکا است.

سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی امداد رسان به دلایل نظامی - امنیتی)، چالش‌های دارای ریشه اقتصادی (سرقت و غارت اموال، رسانه‌های بین‌المللی). در نهایت اینکه کمک‌ها و اقدامات بشردوستانه توسط اشخاص ذیل ماعطا می‌شود: ۱- کشورها؛ ۲- سازمان‌های بین‌المللی (در چارچوب مقررات مندرج در سند تأسیس خود)؛ ۳- سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی؛ ۴- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ؛ از آنجا که موضوع بحث این پایان جنگ‌های داخلی می‌باشد، در این مبحث صرفاً به بیان عملکرد اشخاص فوق در این‌گونه مخاصمات پرداخته خواهد شد.

#### ۱۵. تکالیف دولت‌ها در رعایت حقوق بشردوستانه: تا

پیش از تدوین منشور ملل متحد و ممنوعیت کلی کاربرد زور از سوی دولت‌ها، چگونگی توجیه آن موضوع مهمی نبود. با تدوین منشور و منع توسل به زور و مداخله در امور داخلی دولت‌ها، دخالت انسان‌دوستانه نیز در ردیف موارد توسل به زور منع شد و نتوانست در ساختار منشور ملل متحد جایگاهی بیابد، هرچند در این دوره نیز در مواردی چون دخالت هند در پاکستان شرقی (۱۹۷۱ م.)، اسرائیل در اوگاندا (۱۹۷۶ م.)، ویتنام در کامبوج (۱۹۷۹ م.) و دخالت آمریکا در نیکاراگوئه (۱۹۸۴ م.) دولت‌ها به مداخله بشردوستانه مبادرت ورزیدند، اما این مداخلات از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی محکوم شد. آنچه دخالت‌های دهه ۱۹۹۰ بدین‌سو را از موارد پیشین چه در دوره منشور و چه پیش از آن متمایز می‌سازد، آن است که در گذشته این اقدامات از سوی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها انجام می‌شده و محکومیت جامعه بین‌المللی را در پی داشته است، در حالی که مداخلات بشردوستانه کنونی با مجوز شورای امنیت انجام می‌گیرد و واکنش جامعه بین‌المللی نیز متفاوت است (۴۳). در واقع در بنیاد و اشکال مداخله و واکن جامعه بین‌المللی دگرگونی‌های ایجاد شده است و اینک ما شاهد یک دگرگونی اساسی در پیشبرد صلح و امنیت بین‌المللی و گسترش آن به حقوق اساسی و بنیادین بشری هستیم. مداخله بشردوستانه از «اقدام یک‌جانبه دولت‌ها» به اقدامی گروهی از سوی نهادهای

۱۴. **حیطه کمک‌های بشردوستانه:** در تفسیر مضیق از کمک بشردوستانه صرفاً به ارائه خدمات و ملزومات ضروری مانند غذا، آب آشامیدنی، سرپناه فوری، تجهیزات پزشکی، سوخت و لباس برای رفع نیازهای اساسی افراد در وضعیت‌های بحرانی اشاره شده است، اما در تفسیر موسع، کمک بشردوستانه علاوه بر تأمین ملزومات اساسی جمعیت نیازمند برنامه‌های بازگشت و استقرار مجدد پناهندگان و یا آوارگان داخلی و کمک‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت روانی را نیز دربر می‌گیرد (۳۷). به عبارتی کمک‌های بشردوستانه با هدف پرداخت به نیازهای قربانیان وضعیت‌های اضطراری ارائه می‌گردد و طیف وسیعی از مراقبت‌های درمانی و اجتماعی را شامل می‌شود (۳۸). به طور سنتی کمک‌های بشردوستانه در سه حیطه کمک‌های غذایی ضروری، کمک‌های مادی و خدمات حمایتی ارائه می‌شده است (۳۹)، اما امروزه کمک بشردوستانه می‌تواند شامل بهبود و بازسازی نیز بشود. لازم به ذکر است عملیات کمک بشردوستانه می‌بایست به نحوی ارائه شود که در نهایت وابستگی به کمک بیرونی را کاهش دهد (۴۰). در این خصوص نیز اشاره به چالش‌های کمک‌های بشردوستانه نیز در نوع خود قابل تأمل است: چالش‌های مربوط به هماهنگی کمک‌های بشردوستانه (۴۱)، چالش‌های مربوط به تحریم‌های شورای امنیت، چالش‌های داخلی کمک‌های بشردوستانه (نامنی نواحی نیازمند، حمله به نیروهای کمک‌رسان، حمله به مراکز امداد، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، آمبولانس‌ها و یا اردوگاه‌های نگهداری از آوارگان، گروگانگیری، حملات انتحاری و تروریستی، میداین مین، چالش‌های مربوط به آوارگان (۴۲)، چالش‌های دارای ریشه سیاسی - فرهنگی (عدم اجازه دولت برای امداد رسانی، سیاسی تلقی شدن کمک‌های بشردوستانه، بیگانه ستیزی و بیگانه‌گریزی، فقدان یا ضعف زیر ساخت‌های اداری - انتظامی)، چالش‌های لجستیک کمبود امکانات یا منابع، مشکلات حمل و نقل، چالش‌های مرتبط با دسترسی امداد رسانیان به گروه‌های هدف)، چالش‌های مرتبط با مسائل نظامی (استفاده از غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی، مداخله نیروهای نظامی در کمک‌های بشردوستانه، محدودیت

اوضاع و احوالی، ارکان سازمان ملل خود را برای تفسیر بند ۷ ماده ۲ صالح به رسیدگی است.

#### ۱۷. حق یا تکلیف بودن اعطا یا دریافت کمک‌های

**بشردوستانه:** آیا عدم دریافت کمک‌های بشردوستانه برای کشورهای آسیب‌دیده حقی ایجاد می‌نماید که به واسطه آن بتوانند از کشور آسیب‌زنده به مجامع بین‌المللی شکایت نمایند؟ و اینکه آیا کشورهای ثالث تکلیفی در جهت کمک‌رسانی اقلام مورد نیاز کشور آسیب‌دیده دارند؟ در حقوق بین‌الملل بشردوستانه (به خصوص جنگ‌های بین‌المللی) این حق برای گروه‌های مختلفی از قربانیان جنگ به رسمیت شناخته نشده است. به نظر می‌رسد در شرایط بحران که جان عده زیادی از مردم در خطر است، باید این حق را برای آنان به رسمیت شناخت. این حق به این مفهوم است که اشخاصی که نیاز به کمک‌های بشردوستانه دارند در شرایط تعریف شده و مشخص بتوانند طلب کمک نمایند و از امکاناتی که سازمان‌های ملی و بین‌المللی صلاحیتدار در این زمینه به آنان ارائه می‌کنند، استفاده نمایند. سازمان‌های فوق نیز باید بتوانند در چارچوب مقررات مدون و تعریف‌شده به افراد نیازمند کمک دسترسی داشته باشند (۴۵). این حق را باید در کلیه شرایط بحران، صرف نظر از علت بروز بحران، یعنی علل طبیعی، تکنولوژی، بشری برای کسانی که خواستار استفاده از آن هستند و حقوق اساسی‌شان رعایت نمی‌شود، قائل شد. این حق باید بدون تبعیض اعمال شود. آنچه مسلم است، این است که صرف اعطای این حق کافی نیست، بلکه باید مقرراتی اجرائی آن نیز تعیین شود. رویه و سوابق فعالیت بسیاری از سازمان‌های بشردوستانه می‌تواند مبنای چینی تدوینی به شمار آید. در خصوص اینکه آیا انجام عملیات بشردوستانه حق است یا تکلیف باید میان اعطای این کمک‌ها در زمان جنگ و در زمان صلح تفاوت قائل شد. در زمان صلح هیچ الزامی برای اعطای چنین کمک‌هایی توسط کشورها وجود ندارد، مگر در صورتی که قراردادهای دوجانبه‌ای در این زمینه میان کشورها منعقد شده باشد. عده‌ای می‌گویند این تکلیف به دلیل وحدت منافع بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر بر عهده کشورها

بین‌المللی تغییر یافته و مفهوم تازه‌ای از آن ارائه شده است. سال‌های پایانی سده بیستم با دگرگونی نظام بین‌المللی و افزایش اهمیت و نقش نهادهای بین‌المللی همراه بوده است. از جلوه‌های بارز این امر ۷ برخورد سازمان ملل متحد و در رأس شورای امنیت با درگیری‌های داخلی در مناطقی چون آنگولا، کامبوج، السالوادور، عراق، یوگسلاوی، لیبیا، رواندا وهائیتی است. از این میان، اقدامات سازمان ملل متحد با عنوان مداخله بشردوستانه در کردستان عراق، سومالی، بوسنی و هرزگوین، رواندا وهائیتی، حاکمیت دولت‌ها را بیش از هر زمان دیگری با مشکل رو به رو ساخته است.

#### ۱۶. مسائل داخلی در قلمرو حاکمیتی کشورها با توجه به

**بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد:** حاکمیت دولت‌های عضو را از دو لحاظ منشور ملل متحد محدود می‌کند: نخست آنکه دولت‌ها متعهد می‌شوند که در روابط بین‌المللی از یک سلسله اصول پیروی کنند؛ دیگر آنکه اعضای ملل متحد متعهد می‌شوند تصمیمات متخذه توسط بعضی از ارکان ملل متحد را در مواردی معین پذیرفته و به مورد اجرا بگذارند. مع الوصف قبول تعهدات فوق‌الذکر به هیچ عنوان به حاکمیت و برابری حاکمیت دولت‌ها خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. حاکمیت کماکان مورد حمایت منشور است. دولت‌ها همواره در قبول تعهدات بین‌المللی آزادی عمل داشته و دارند. آزادی عمل در قبول تعهدات بین‌المللی در واقع از مظاهر حاکمیت دولت‌ها به شمار می‌آید. در دوره قبل از تأسیس جامعه ملل، دولت‌ها تفسیر تعهدات بین‌المللی خود را از جمله حقوق حاکمیت قلمداد کرده و تفسیر غیر خود را در این خصوص نمی‌پذیرفتند. پس از تأسیس جامعه ملل، حقوق بین‌الملل ملاک و معیار تشخیص حد و مرز بین تعهدات بین‌المللی و صلاحیت داخلی دولت‌ها تعیین گردید (۴۴). منشور ملل متحد به عنوان یک معاهده چندجانبه بین‌المللی در عین این که محدودیت‌هایی بر حاکمیت دولت به وجود آورد، حقوق بین‌الملل را معیار تشخیص حد و مرز صلاحیت داخلی و اختیارات سازمان ملل قرار نداد، مضافاً بر آنکه هیچ یک از ارکان سازمان ملل را برای تفسیر منشور معین نکرد. در چنین

می‌باشد، اما راهی برای اثبات این تکلیف اخلاقی در قالب حقوقی وجود ندارد. در زمان مخاصمات مسلحانه، در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تکلیفی برای کشورها در زمینه این کمک‌ها مقرر نشده است، اما در ماده ۷۰ پروتکل اول و ماده ۱۸ پروتکل دوم مقرر شده است که در شرایط خاص، عملیات تأمینی «باید» انجام شود. چنین واژه‌ای برای اعضای پروتکل تکلیف وضع می‌کند که به انجام این اقدامات رأساً مبادرت ورزند یا در آن مشارکت نمایند (۳۰). در خصوص پذیرش این کمک‌ها در زمان صلح باید گفت که اجباری در این خصوص وجود ندارد و موارد متعددی از رد این کمک‌ها به چشم می‌خورد. به این مسأله که آیا این کمک‌ها قانونی است یا خیر متعاقباً خواهیم پرداخت. در عین حال دشوار به نظر می‌رسد که بگوییم اولین و اصولی‌ترین وظیفه هر کشوری حفظ جان اتباع آن کشور است و از طرف دیگر بگوییم به موجب ماده ۳۸ تبصره ۱ بند ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری این وظیفه بر عهده اعضای جامعه بین‌المللی است. تنها توجیهی که می‌توان برای اجبار در پذیرش این کمک‌ها بیان نمود وظیفه کشورها در ارتقای احترام به حقوق بشر است و وظیفه خاص مندرج در ماده ۲ منشور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حق حیات، حق گرسنه‌نبودن و حق آزادی رأی کلیه ابنا بشر به رسمیت شناخته و بیان می‌دارد که وظیفه کشورهاست که کمک‌های خارجی را در زمان به خطر افتادن این حقوق بپذیرند. در زمان جنگ‌های مسلحانه، ماده ۵۹ کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت‌های اشغالگر را ملزم می‌سازد که کمک‌ها را در سرزمین تحت اشغال بپذیرند. در خصوص سرزمین‌های غیر اشغالی که در کنترل یکی از طرفین جنگ است اقدامات تأمینی باید انجام شوند (ماده ۷۰ پروتکل اول و ماده (۲) ۱۸ پروتکل دوم) در این مواد اخبار در پذیرش کمک‌های اعطایی به طور ضمنی بیان شده است و شرایطی نیز برای چنین اجباری مقرر گشته است. این شرایط عبارتند از عدم تجهیز مردم، یعنی باید مردم به این کمک‌ها نیاز داشته باشند. این اقدامات باید با رضایت طرف گیرنده انجام شوند. در جنگ‌های داخلی نیز همین اعتقاد در خصوص

رضایت دولت مستقر به نفع افراد تحت‌الحمایه آن دولت وجود دارد و اصل بی‌طرفی نیز باید رعایت شود (۴۶). در جنگ‌های بین‌المللی «توافق طرفین» به مفهوم توافق طرفین اعطا کننده، گیرنده و طرفی است که کمک‌ها از قلمرو آن عبور می‌کنند. جز در حالتی که کمک‌ها قرار است از قلمرو دولتی عبور نمایند، کسب رضایت آن دولت اجباری نیست، حتی اگر آن دولت یکی از طرفین ذی‌نفع در مخاصمه باشد (ماده ۷ پروتکل اول). ماده ۲ پروتکل دوم واژه «رضایت اعضای ذی‌نفع» را به کار برده است، عده‌ای این واژه را به این ترتیب تفسیر کرده‌اند که رضایت دولت مستقر همیشه جهت دریافت کمک از جانب شورشیان ضروری است، حتی اگر این کمک‌ها از قلمرو تحت تصرف آن دولت عبور نکند. بهتر است همانند تفسیری که در خصوص ماده ۷۰ پروتکل اول می‌شود، این رضایت را محدود به زمانی نماییم که قرار است کمک‌ها از قلمرو تحت تصرف دولت مستقر عبور کند. این تفسیر با ماده ۱۴ پروتکل دوم گرسنه نگاه‌داشتن مردم غیر نظامی را به عنوان یکی از روش‌های جنگ منع می‌کند تقویت می‌شود. همچنین ارائه این کمک‌ها نباید مداخله در امور داخلی سایر کشورها تلقی شود، چراکه با چنین طرز تلقی، یعنی مداخله تلقی کردن ارائه کمک‌ها اجباری بودن پذیرش این کمک‌ها بی‌مفهوم به نظر می‌رسد. می‌توان شرایطی را تصور نمود که امتناع از ارائه یا دریافت کمک‌های بشردوستانه جرم بین‌المللی به شمار آید. منظور از امتناع شرایطی است که در آن شرایط در نتیجه رفتار عمدی اشخاص معین، کمک‌های بشردوستانه به نیازمندیانی که هدف این کمک‌ها هستند، نمی‌رسد. این رفتارها متفاوتند. این اشخاص عبارتند از نمایندگان دولت‌ها، نمایندگان گروه‌های غیر دولتی و شورشیان، گاهی اوقات نیز این اقدامات توسط گروه‌هایی از مردم عادی که کمک‌ها برای آنان در نظر گرفته نشده انجام شده و این افراد مانع از رسیدن کمک‌ها به نیازمندان واقعی آن می‌شوند (۴۷). برای چنین امتناعی وسایل متفاوتی نیز وجود دارد. به عنوان مثال یک دولت می‌تواند مانع از ورود پرسنل امدادی به داخل کشور شود یا نظارت طولانی بر کنترل محموله‌های کالا اعمال نماید

یا مانع از ارسال کمک به منطقه خاصی شود یا راه‌ها را ببندد و شهر خاصی را محاصره کند یا باند هواپیما را مسدود نماید یا مالیات برای ورود کالاها وضع کند و یا دستور دهد صرف نظر از نیاز واقعی اشخاص کمک‌ها باید به طور مساوی بین طرفین جنگ تقسیم شود، اما مؤثرترین وسیله برای ممانعت از کمک‌رسانی، عدم تضمین امنیت آن‌ها است. به عنوان مثال مین‌گذاری یا حمله به کاروان‌ها یا تیراندازی به مردم گیرنده کمک‌ها امنیت عملیات تضمین نشود. اهداف چنین امتناعی می‌تواند متفاوت باشد، مثلاً در جنگ‌هایی که مردم عادی هدف قرار می‌گیرند، آواره‌ساختن گروه خاصی از مردم یا گرسنه نگاه‌داشتن آن‌ها هدف است، مثل زمانی که «پاکسازی نژادی» هدف اصلی جنگ است. گاهی اوقات نیز هدف به پایان‌رسانیدن هرچه سریع‌تر مخاصمات است تا محاصره شوندگان تسلیم شوند. علاوه بر این ممکن است متخاصمین کمک‌ها را توقیف و ضبط کنند تا به جای سیرکردن مردم عادی نیروهای خود را تقویت کنند. نتیجه چنین امتناعی بدتر شدن وضعیت زندگی مردم عادی است و ممکن است سود تغذیه و شیوع بیماری‌ها و حتی مرگ را به دنبال داشته باشد. امتناع از پذیرش کمک‌ها می‌تواند در شرایط خاص، جرم جنگی، جرم علیه بشریت و حتی ژنوساید تلقی شود. موضوع جنایت جنگی افرادی هستند که در جنگ‌های مسلحانه (اعم از بین‌المللی یا داخلی) آزادیشان سلب می‌شود و یا زندانی جنگی هستند یا به عبارتی «همه افرادی که نقش مؤثری در خصومت‌ها ندارند» و باید با آن‌ها انسانی رفتار شود. در صورتی که مقررات بین‌المللی بشردوستانه در مورد این افراد رعایت نشود، کسانی که از مقررات تخطی می‌کنند مسئولیت کیفری دارند. بنابراین امتناع از دریافت کمک‌های بشردوستانه در شرایط جنگ مسلحانه، اعم از داخلی یا بین‌المللی می‌تواند یک جنایت جنگی بشمار رود. به عنوان مثال چنین ترک فعلی (امتناع از دریافت کمک‌ها) می‌تواند منجر به قتل و کشتار عامدانه عده زیادی از مردم در شرایط جنگ شود و یا چنین امتناعی در صورتی که باعث ایجاد رنج و درد شود، مثلاً به زندانیان جنگی غذا و آذوقه حیاتی نرسد، می‌تواند شکنجه

تلقی شود (۴۸). در خصوص جرائم علیه بشریت ابتدا باید تعریف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به مناقشات متعدد و طولانی در این خصوص پایان داده است، اشاره کوتاهی نماییم. به موجب این تعریف اعمالی که جرم علیه بشریت تلقی می‌شوند باید علیه مردم عادی و به شکل وسیع و فراگیر اعمال شوند و مبنای این اعمال باید سیاست یک کشور، سازمان یا گروه باشد. این اعمال الزاماً نباید در زمان جنگ به وقوع بپیوندند. درباره شرط اول یعنی «مردم عادی» می‌توان گفت که هدف امتناع از دریافت کمک‌ها غالباً مردم عادی هستند. در خصوص «فراگیر» بودن این عمل می‌توان گفت غالباً هدف چنین امتناعی یک شخص خاص نمی‌باشد و طیف زیادی از مردم از نتایج آن رنج خواهند برد. در خصوص «سیاست» نیز اثبات آن دشوار نمی‌باشد و به موجب رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Tadic می‌توان این سیاست را از عملکرد یک دولت، گروه یا سازمان که در سطح فراگیر مرتکب جرمی می‌شوند، استنباط نمود. در خصوص ژنوساید که وحشیانه‌ترین جرم بین‌المللی به شمار می‌آید. باید محتاطانه برخورد نمود. این جرم تنها جرمی است که در خصوص آن مقررات مدون بین‌المللی وجود دارد (کنوانسیون ۱۹۴۸ ژنوساید) برای اینکه امتناع از پذیرش کمک‌ها ژنوساید تلقی شود، باید شرایط ذیل وجود داشته باشد. امتناع باید منجر به ایجاد صدمات روحی یا فیزیکی یا کشتار یا جلوگیری از تولید مثل یا انتقال کودکان از یک گروه به گروه دیگر شود. این امتناع باید قصد از بین‌بردن یک گروه خاص را به طور کلی یا جزئی داشته باشد و این اعمال باید علیه یک گروه خاص به دلایل نژادی، مذهبی و قومی انجام شود. الزاماً برای اینکه چنین اعمالی جرم تلقی شود، نیاز به انجام آن‌ها در زمان جنگ وجود ندارد (۴۹).

**۱۸. در زمینه اعطای کمک، آیا شیوه یا روش خاص یا محدودیت‌های وجود دارد و چه ضررهایی به بار می‌آورد؟**

۱- یک طرف مخاصمه حق ندارد باعث گرسنگی مردم ساکن در قلمرو طرف دیگر مخاصمه شود و باید همانند همه کشورها اجازه عبور آزاد کمک‌های بشردوستانه را وقتی اعطای این

کمک‌ها ضروری است بدهد و طرفین مخاصمه باید برای مردم غیر نظامی که در قلمرو تحت تصرف آن‌ها قرار دارند، غذا، دارو و سایر لوازم ضروری نجاتشان را تهیه کنند و در صورت عدم امکان تهیه این ضروریات مکلف به پذیرش کمک‌های بین‌المللی می‌باشند؛ ۲- مقام اعطاکننده کمکی باید به قربانیان مخاصمات مسلحانه دسترسی داشته باشد؛ ۳- عموماً کمیته بین‌المللی صلیب سرخ باید با مقامات صلاحیتدار طرفین مذاکره نماید (۵۰)؛ ۴- مقام اعطاکننده کمک‌های بشردوستانه باید نظارت کامل بر کل عملیات بشردوستانه داشته باشد و کمک‌های بشردوستانه فقط از این طریق به قربانیانی که در ارزیابی ابتدایی شناسایی شده‌اند، خواهد رسید و فقط از این طریق می‌توان از تسلیم کالاها به رزمندگان طرفین به جای مردم و قربانیان نیازمند، اجتناب نمود؛ ۵- مقام اعطاکننده کمک‌های بشردوستانه باید منابع لازم و کافی را جهت ارائه در اختیار داشته باشد. در این میان می‌توان به محدودیت‌ها و مضرات نیز اشاره نمود. محدودیت‌ها شامل: ۱- ممانعت از دسترسی؛ ۲- عدم انجام مذاکره با مقامات ذی‌صلاح؛ ۳- عدم امنیت و مضرات شامل: ۱- اعطای کمک‌ها می‌تواند سهواً به طرفین جنگ کمک کند، چراکه این کمک‌ها طرفین را تقویت می‌کند و مدت جنگ را افزایش می‌دهد؛ ۲- اعطای کمک‌ها اگر به شکل منظم و با توجه به عرف منطقه انجام نشود، بیش از آنکه مفید باشد مضر است و به قربانیان لطمات بیشتری را وارد می‌کند.

#### ۱۶. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کمک‌های بشردوستانه:

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از مهم‌ترین تأسیسات حقوقی بین‌المللی است که باعث توسعه و تحول حقوق بین‌الملل بوده و قوی‌ترین ضمانت اجرای آن به شمار می‌رود. پس از جنگ جهانی دوم، حقوق بین‌الملل شاهد تحولاتی بود که فلسفه مسئولیت بین‌المللی را دگرگون ساخته و افق‌های جدیدی را پیش روی آن نهاد. بر اساس این تحولات جدید، چنانچه افراد و اتباع دولت‌ها مرتکب اعمالی گردند که طبق مقررات بین‌المللی اعم از عادی یا قراردادی جرم شناخته شود، مسئول بوده و قابل مجازات شناخته می‌شوند.<sup>۲</sup> در روابط بین دولت‌ها

نیز اگر دولتی برخلاف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل رفتار کرده و از انجام تعهدات قانونی خود قصور کند بایستی پاسخگوی اعمال خود باشد، لذا از آنجایی که عدم دریافت کمک‌های بشردوستانه سبب تخلف دولت‌ها و در نتیجه خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای قربانیان و حتی کشور آسیب‌دیده به بار خواهد آورد، در نتیجه به نظر می‌رسد بتوان به استناد نقض حقوق ذاتی انسان‌ها که مهم‌ترین آن‌ها حق حیات می‌باشد مسئولیتی را متوجه دولت‌های خاطی نمود. از آنجایی که دولت‌ها به صراحت این تعهد را برای خود متصور نیستند، اما به نظر می‌رسد به عنوان یک قاعده عرفی و به موجب یک اصل کلی حقوقی این تکلیف را بر دوش آن‌ها قرار داد. در این رابطه هرگونه فعل یا ترک فعل که موجب خسارت مادی یا معنوی گردد، متقابلاً یک حق برای دولت زیان‌دیده جهت دریافت خسارت و یک تکلیف برای دولت متخلف جهت جبران غرامت ایجاد می‌نماید. در اینجا رابطه حقوقی بین دو دولت ایجاد می‌گردد که طبق آن دولت زیان‌دیده می‌تواند در مراجع دارای صلاحیت طرح دعوی نموده و خواستار جبران خسارت گردد. علیرغم این سابقه تاریخی باید اذعان نمود که به دشواری می‌توان در حقوق بین‌الملل موضوعی را یافت که از پیچیدگی و تشتت مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برخوردار باشد. به هر حال کمیسیون حقوق بین‌الملل با بررسی دقیق و اخذ آرای صاحب‌نظران در چهل و هشتمین اجلاس خود طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را تکمیل و تاحد زیادی از ابهام و سردرگمی در این زمینه کاست، اما هنوز اختلاف نظر دولت‌ها در مورد مبحث مسئولیت بین‌المللی در قبال عدم دریافت کمک‌های بشردوستانه وسعت و دامنه‌ای گسترده دارد و شاید بتوان گفت که همین اختلاف نظرها تاکنون موجب گردیده تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه تدوین قواعد ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها هنوز به صورت یک عهدنامه الزام‌آور بین‌المللی نظیر عهدنامه حقوق دریاها، عهدنامه حقوق معاهدات و مانند آن درنیامده است. با این وجود قطع‌نامه‌های متعددی از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در



خصوص کارکنان کمک‌های بشردوستانه و نحوه و روش اعطا کمک‌های بشردوستانه چه در زمان سوانح طبیعی و چه در زمان مخاصمات مسلحانه منعقد گردیده است (۵۱). نخستین دستاورد کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به صورت یک طرح ۳۵ ماده‌ای در سال ۱۹۸۰ به تصویب رسید و از آن پس طرح مزبور پیوسته مورد جرح و تعدیل قرار گرفت تا آنکه سرانجام در ماه دسامبر ۲۰۰۱ به صورت یک طرح جامع و در ۵۹ ماده همراه با توضیحات تفصیلی پیرامون هر یک از مواد به عنوان طرح نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل در باب مسئولیت بین‌المللی دولت به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تسلیم گردید (۵۲). شاید بتوان گفت که عزم عمومی جامعه بین‌الملل در تهیه طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اولین و جدی‌ترین اقدام صورت‌گرفته تا آن زمان در جهت تبیین ابعاد مسئولیت بین‌المللی بوده و اهمیت این موضوع را نمایان می‌سازد. این طرح به دنبال آن است که از طریق توسعه و تدوین آنچه موجود است، قواعد اصلی حقوق بین‌الملل حاکم بر مسئولیت دولت در ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌الملل را معین نماید. مبحث مسئولیت بین‌المللی از آن رو حائز اهمیت است که اصول و قواعد آن ضمانت اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به شمار می‌رود. هر تعهدی که دولت‌ها در روابط دو یا چندجانبه بر عهده می‌گیرند، اعم از آنکه منشأ آن تعهد قرارداد، اقدام یک‌جانبه، عرف یا قواعد آمره بین‌المللی باشد فقط در پرتو اصول و قواعد ناظر بر ضمانت اجراست که می‌توان برای آن‌ها اعتبار اجرایی تصور نمود. به همین دلیل است که قواعد ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت با وجود اینکه هنوز به صورت یک عهدنامه بین‌المللی درنیامده، ولی از دیرباز در روابط بین‌المللی و در حل و فصل اختلافات بین دول کارساز بوده و دلیل این امر چیزی نیست جز اینکه قواعد حقوق بین‌الملل ریشه در واقعیت و عقل سلیم دارد (۵۲).

**۲۰. معاهدات مربوط به مسئولیت بین‌المللی:** حقوق بین‌الملل به بررسی وضعیت‌هایی پرداخته که در آن یک دولت به دلیل ارتکاب اعمال خلاف حقوق بین‌الملل مسئول شناخته

شده و آثاری بر آن مترتب می‌گردد. آنچه که در باب مسئولیت بین‌المللی وجود دارد اینست که مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اساساً ریشه در عرف دارد، زیرا پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها هنوز به صورت معاهده درنیامده و بنابراین اتکای ما بیشتر بر آرای دادگاه‌های بین‌المللی معاهدات دو یا چندجانبه، قطع‌نامه‌های مجمع عمومی و تعدادی متون قراردادی بین‌المللی در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها محدود می‌شود. برخی از این متون عبارتند از: عهدنامه چهارم لاهه (۱۹۰۷ م.) در زمینه اعمال ارتكابی نیروهای مسلح، عهدنامه بروکسل مورخ ۲۵ مه ۱۹۶۲ و عهدنامه وین مورخ ۱۹ مه ۱۹۶۳ در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای، معاهده ژانویه ۱۹۶۷ و عهدنامه مارس ۱۹۷۲ راجع به مسئولیت دولت‌ها در پرتاب اشیا به فضا، عهدنامه نوامبر ۱۹۶۹ در زمینه آلودگی دریاهای بر اثر مواد نفتی. لازم به توضیح است که احراز مسئولیت بین‌المللی همواره توأم با خسارت مادی نیست، بلکه هرگونه تخلف از تعهدات بین‌المللی ناشی از اعمال قانونگذاری، اعمال سازمان‌های اجرایی و قضایی، اعمال افراد عادی و اعمال ارتكابی در خلال جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه را نیز دربر می‌گیرد (۲).

### نتیجه‌گیری

در قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم میلادی، یعنی پیش از تکوین منشور ملل متحد، هیچ ضابطه بین‌المللی کشورها را از توسل به زور نسبت به ساکنین قلمرو خود منع نمی‌کرد. از سوی دیگر این فرض نیز وجود داشت که دولت‌ها موظف هستند. در روابط خود با اتباع خود و سایر کشورها حداقل معیارهای حقوقی را مراعات کنند. چنانچه کشوری از این اصل تخطی می‌ورزید، سایر دول می‌توانستند علیه آن متوسل به زور گردند و چنین مداخله‌ای نیز قابل توجیه بود. به عبارت دیگر چنانچه کشور مداخله‌شونده قادر به تأمین حقوق اولیه اتباع ساکن در قلمرو خویش، به ویژه اتباع خارجی نبود، کشورها به بهانه حمایت از جان و تأمین حقوق اتباع خویش علیه کشور

خاطی توسل به زور می‌نمودند. پس از خاتمه جنگ جهانی اول و تصویب میثاق جامعه ملل، این میثاق نیز صراحتاً کشورها را از توسل به زور منع نکرد و تحت شرایطی توسل به زور را مجاز اعلام نمود و در نهایت هرگز نتوانست به خواسته‌های تشکیل‌دهندگان جامعه عمل بپوشاند. ضعف این جامعه و فقدان ابزارهای اجرایی باعث شد که جهان با گذشت زمانی بالنسبه کوتاه دومین جنگ عالم‌گیر را تجربه کند. با توجه به روند رو به افزایش فجایع طبیعی گسترده در جهان و وقوع بیشتر این فجایع در کشورهایی که از امکانات اقتصادی و زیرساختی محدودتری برخوردارند، در دستور کار قرار گرفتن موضوع حمایت از انسان‌ها در خلال سوانح طبیعی در کمیسیون حقوق بین‌الملل کاری بسیار لازم و مؤثر بوده است؛ به خصوص آنکه پس از وقوع توفان برمه نظرهای مختلفی دال بر مداخله در این کشور و الزام دولت آن کشور به قبول کمک‌های بشردوستانه مطرح شد و برخی به صراحت توسل به گزینه نظامی را برای ارسال کمک‌ها مطرح کردند، اما از آن جایی که ارسال کمک به روش نظامی سبب نقض برخی از اصول بشردوستانه که همانا بی‌غرضی و بی‌طرفی می‌باشد، در نگاه نخست به نظر می‌رسد راه حل مناسبی برای این مهم نبوده، ولی از آنجا که عدم دریافت کمک بشردوستانه سبب نقض سایر حقوق ذاتی انسان‌ها می‌گردد و خود به تنهایی فجایع بالاتری را به دنبال خواهد داشت، لذا ارسال کمک از این طریق به شرط رعایت اصول بشردوستانه مناسب به نظر می‌رسد، لذا از این رو طرح چنین موضوعی در کمیسیون راه را بر وجود هرگونه شک و شبهه‌ای در این قضیه بست و مسأله را به طور کامل در چارچوب حقوقی قرار داد. با وجود این کمیسیون هم بسیار محتاطانه رفتار کرده و از طرح و پرداختن به ادعاهای جنجالی که ممکن است حاکمیت دولت‌ها را خدشه‌دار سازد، خودداری ورزید و حتی حاضر به بررسی تئوری مسئولیت حمایت که امروزه از پذیرش بالایی برخوردار است، نشد. تهیه پیش‌نویس طرح توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حمایت از انسان‌ها در زمان وقوع سوانح طبیعی مغایرتی با سایر قواعد مسلم حقوق بین‌الملل و راه

حل‌های موجود ندارد، چنانکه این پیش‌نویس محتاطانه هرگز نمی‌تواند مانع شورای امنیت از صدور قطع‌نامه‌هایی بر اساس فصل هفتم برای الزام دولت مستنکف از دریافت کمک‌های انسان‌دوستانه به قبول این کمک‌ها باشد. چنانکه در جریان سانحه توفان برمه اگر مخالفت چین نبود، شاید چنین قطع‌نامه‌ای تصویب هم شده بود. از سوی دیگر، مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی، از جمله جنایت علیه بشریت در محاکم کیفری بین‌المللی توسط پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ممنوع نشده است و این خود ضمانت اجرای محکمی برای الزام دولت‌ها به انجام اقدامات امدادی در سرزمینشان در موقع بروز سوانح طبیعی یا قبول کمک‌های امدادی سایرین است. در عین حال محتوای طرح کمیسیون راه را بر این تعبیر که در صورت استنکاف یک دولت از پذیرش کمک‌های بشردوستانه می‌توان علیه آن دولت متوسل به زور شد نیز بست و به عبارتی کمیسیون با این کار خود به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز کمک کرد. در پایان به طور خلاصه می‌توان با به کارگیری مواردی چند از بروز خشونت‌ها در هنگام مخاصمات مسلحانه کاسته و اجرای حقوق مخاصمات را تضمین نمود، از جمله: ۱- اقدامات ملی در جهت اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه و رعایت حقوق انسانی؛ ۲- ترویج حقوق جنگ؛ ۳- تعیین کشور حامی؛ ۴- همکاری‌های بین‌المللی، حقیقت‌یابی و تحقیق؛ ۵- برخورداری از مشاوران حقوقی؛ ۶- پذیرفتن مسئولیت بین‌المللی، در نهایت انعقاد یادداشت تفاهم‌های همکاری میان کشورها به ویژه نهادهای بین‌المللی مانند جمعیت‌های ملی اعم از صلیب سرخ و هلال احمر پیش از وقوع این‌گونه حوادث اعم از طبیعی یا ساخته دست بشر و درج این موضوع در بندهای مربوط می‌تواند گزینه مناسبی جهت کمک‌رسانی به کشورهای آسیب‌دیده به حساب آید. به عبارت دیگر درج این موضوع در قسمت زمینه‌های همکاری سبب می‌گردد تا از این طریق کشورها به ویژه کشورهای آسیب‌دیده این اطمینان را پیدا نمایند که در صورت بروز بحران کشورهایی وجود دارند که به صورت داوطلبانه و ضمنی متعهد به کمک آن‌ها خواهند بود. به

اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸ م.)، کنوانسیون لاهه در مورد رعایت قوانین و عرف‌های جنگ زمینی و تطبیق اصول کنوانسیون ژنو مصوب ۱۸۶۴ بر جنگ‌های دریایی (۱۸۹۹ م.)، کنوانسیون لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه (۱۹۰۷ م.)، پروتکل ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و روش‌های باکتریولوژیک در جنگ (۱۹۲۵ م.)، کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی (۱۹۲۹ م.)، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (شامل: بهبود شرایط مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان نبرد، بهبود شرایط مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در دریا، رفتار با اسرای جنگی، حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ) (۱۹۴۹ م.)، کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه (۱۹۵۴ م.)، پروتکل اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی (۱۹۷۷ م.)، کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌های خاص معاهده‌ای (۱۹۸۰ م.)، کنوانسیون منع تکمیل، تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودسازی آن‌ها (۱۹۹۳ م.)، کنوانسیون منع ذخیره‌سازی، تولید و تجارت مین‌های ضد نفر و منع استفاده و نابودسازی آن‌ها (۱۹۹۷ م.)، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸ م.)، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان سرباز (۲۰۰۰ م.)، همچنین در حقوق بشردوستانه بین‌المللی اصول ذیل را می‌توان به عنوان اصول اساسی در نظر گرفت: ۱- اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض؛ ۲- اصل محدودیت؛ ۳- اصل ضرورت نظامی؛ ۴- اصل تفکیک؛ ۵- اصل تناسب؛ ۶- اصل حسن نیت. اجرای حقوق بشردوستانه، عبارت است از مجموعه اقداماتی که دولت‌ها هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ برای تضمین اجرای تعهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه به عهده دارند که این موارد و اقدامات به شرح ذیل اعلام می‌گردد: ۱- جلوگیری از جنایات جنگی؛ ۲- حمایت از علائم صلیب سرخ و هلال احمر؛ ۳- حمایت از تضمینات اساسی؛ ۴- نصب مشاورین

عبارت دیگر همکاری میان کشورها در این خصوص سبب می‌گردد که دیگر آزادانه به این موضوع نگریسته نشود و کشورها متعهد گردند که به یکدیگر مساعدت نموده و اقلام مورد نیاز را در سریع‌ترین زمان ممکن به دست قربانیان برسانند و با این عمل دیگر شاهد فجایع انسانی و بعضاً جرائم جنگی نخواهیم بود.

### مشارکت نویسندگان

مهرآسا محبی: نگارش و تدوین مقاله، جمع‌آوری و بررسی منابع. کارن روحانی و رضا نصیری لاریمی: نظارت و بازبینی مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر کارن روحانی نایب‌رییس کانون وکلای مرکز به واسطه بررسی منابع و موضوع مقاله اعلام می‌دارند.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

### پی‌نوشت

۱. لازم به ذکر است مهم‌ترین معاهدات حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شرح ذیل می‌باشد:

حقوقی در نیروهای مسلح خود؛ ۵- اشاعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه.

۲. اصولاً به موجب یک اصل کلی حقوقی هر عمل غیر مشروع و هر نوع تخلف از تعهدات و تکالیف قانونی، موجب الزام جدیدی می‌شود که به آن مسئولیت می‌گویند.

## References

1. Pashayi Khjeh Pasha M. Humanitarian aid in international law. 1st ed. Tehran: Sanjesh va Danesh Publisher; 2017. p.72-73. [Persian]
2. Ziiai Bigdeli MR. Article of Humanitarian Law and International Human Rights. Tehran: Review of Recent International Humanitarian Developments Secretariat of the National Humanitarian Committee; 2002. p.44, 402. [Persian]
3. Sharifi Tarazkoochi H. Theories of human rights, human rights (Theories and events). Tehran: Mizan; 2005. p.74. [Persian]
4. Katouzyan N. Philosophy of Law. 1st ed. Tehran: Sherkat sahani enteshar Publication; 1998. Vol.1 p.39-40. [Persian]
5. Writers Group. Proceedings of the Conference on Islam and International Humanitarian Law. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation; 2007. p.71.
6. Roso SH. Laws of armed conflict. Translated by Hanjani AM. 1st ed. Tehran: International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran; 1990. p.25.
7. Mohammadi H, Najarzadeh MR. Familiar to know the concepts of public law, examining the concept of the school of law. Tehran: Office of Islamic Systemization Studies; Research Institute of the Guardian Council, 1394. p.5. [Persian]
8. Reinart Kenneth A, Rajan RS, Glass AJ, Davis LS. The Princeton Encyclopedia of the World Economy. New Jersey: Princeton University Press; 2013. Vol.1 p.40.
9. Beigbeder Y. The Role and Status of International Humanitarian Volunteers and organizations: The Right and Duty to Humanitarian Assistance. Boston: Martinus Nijhoff Publishers; 1991. p.380.
10. Kariminia MM. Christianity; War or peace (examining the way Christianity deals with followers of other religions). Marefat Magazine. 2008; 15(7): 108-117.
11. Mac Alister S. Peter International Humanitarian Assistance: Disaster Relief Actions in International Law and Organizations. Netherland: Martinus Nijhoff Publishers; 2003. p.17.
12. Donan H. Solferino Memorie's. Translated by Tavakoli ME. Tehran: Azhand Publications; 2009. p.57. [Persian]
13. Jeffries V. Handbook of Public Sociology. Maryland: Rowman & Littlefield Publishers; 2010. p.417-418.
14. Nagvi Y. Humanitarian Assistance in Armed Conflict. Conference of the Luxemburg Group 24-25 may 2012 Graduate Institute of International Studies. Geneva IRRC. 2012; 86(856): 879-916.
15. Breau SC, Carr IM. Humanitarian Aid and Corruption working papers series of SSRN. Working Paper. 2013. p.2. Available at: <http://www.papers.ssrn.com/so13/papers.cfm?abstract-id=1481662>.
16. Yazdani Shahrbabaki A. International humanitarian law and the challenges of providing aid in armed conflicts. Tehran: Islamic Azad University; 2014. p.10. [Persian]
17. The Purposes of the United Nations are: 1. To maintain international peace and security and to that end: to take effective collective measures for the prevention and removal of threats to the peace and for the suppression of acts of aggression or other breaches of the peace, and to bring about by peaceful means and in conformity with the principles of justice and international law, adjustment or settlement of international disputes or situations which might lead to a breach of the peace.
18. Article twenty-eight: 1. Everyone has the right to demand the establishment of an order that, from a social and international point of view, rights and Provide the freedoms mentioned in this declaration and put them into practice.
19. Esfandyari CH, Mirabbasi SB. The Right to Food in Situation Armed Conflict under International Law. The Judiciary Law Journal. 2014; 78(88): 7-36. [Persian]
20. The countries party to the covenant recognize the right of everyone to have an adequate standard of living for himself and his family, including adequate food, clothing and housing, as well as the continuous improvement of living conditions. The countries party to this covenant will take appropriate measures to ensure the realization of this right and in this sense; they accept the fundamental importance of international cooperation based on free consent.
21. Available at: <http://www.un.org/A/Res/46/182/1991.Annex>.
22. Available at: <http://www.un.org/A/Res/58/114>.
23. Pictet S. Development and Principles of International Humanitarian Law. Netherland: Martin Nijhoff Publishers; 2000. p.61-63.

24. International Committee Red Cross. Protocols Additional to the Geneva Convention of 12 August 1949. Geneva: Red Cross; 1996. p.89.
25. Meron T. Human rights in Interntional Strife: Their International protection. Leiden-Boston: Martinus Nijhoff; 2000. p.71, 188.
26. Kooch Nezhad A. Internal conflicts in international law. Tehran: Islamic Azad University; 1999. p.2, 19. [Persian]
27. Patrisch KJ. Armed Conflicts, The Joint Service Manual of the law of armed conflict. 2004. Chapter.3 p.27
28. Partrisch KJ. Armed conflict, encyclopedia of public international law. Oxford Public International Law. 2015; 3: 26.
29. United Nation office for the coordination of Humanitarian Affaires (OCHA).
30. Beykzadeh E. An attitude on the compilation and development of international law. Tehran: A Collection of Articles on the Role of the United Nations General Assembly in the Formulation and Gradual Development of International Law; 2010. p.87. [Persian]
31. Javani J. Examining war crimes in the Statute of the International Criminal Court. Tehran: Azad University; 2011. p.123. [Persian]
32. Mohseni SM. Investigation of war crimes in the statute of the International Criminal Court. 2012; 23: 85-114. [Persian]
33. Niavarani S. Challenges of humanitarian assistance in armed conflicts and in the Middle East. Tehran: Foreign Affaires Publications; 2006. p.83. [Persian]
34. Kamminga MT. Lessons Learned from the Exercise of Universal Jurisdiction in Respect of Gross Human Rights Offenses. Translated by Shariatbagheri MJ. International Law Magazine. 2003; 20(28): 61-114. [Persian]
35. Guiterrez BA, DeCristofaro S, Woods M. What Americans think of international humanitarian law?. International Review of the Red Cross. 2011; 93(884): 1009-1010.
36. McGoldrick C. The state of conflicts today: Can humanitarian action adapt?. International Review of Red Cross. 2015; 97(900): 1179-1208.
37. Federal Department of Foreign Affaires (FDFA). Humanitarian Access in Situations of Armed Conflict. Handbook on the Normative Framework. Swise: Handbook; 2011. p.5.
38. Humanitarian Assistance Strategic Guidance. Building capability to look after people affected by emergencies.UK: Department for culture for Media and Sport; (DCMS) 2014. p.13. Available at: <http://www.gov.uk/government/uploads/attachment-data/file/61220/final-humanitarian-assistance-guidance.pdf>.
39. Global Humanitarian Assistance Report. 2013. p.107. Available at: <http://www.globalhumanitarianassistance.org>.
40. Perrin P. The Impact of Humanitarian Aid on Conflict Development. International Review of the Red Cross. 2006; 323: 319-333.
41. Mosafa N, Mostaghimi B. Humanitarian challenges in the Middle East. Tehran: Tehran University Publication; 2007. p.33. [Persian]
42. Available at: <http://www.bbc.co.uk/Persian/news/story/2005/07/printable/050787-he-chad-shtml>.
43. Afshar H. General principles of comparative law. Tehran: Tehran University; 1967. p.34. [Persian]
44. Mirzaii Nikjeh S. Evolution of the concept of sovereignty in the United Nations. 1st ed. Tehran: Publishing Department of the Ministry of Foreign Affairs; 1994. p.9. [Persian]
45. Mirabbasi A. International Legal System Governing the Unilateral Independence of States in the Mirror of Advisory Opinion of ICJ 2010 and the existing instruments: Legitimacy or Illegitimacy. The Judiciary Law Journal. 2012; 76(77): 135-161. [Persian]
46. Abdollahi M. Approaches of the international responsibility system in compensating damages caused by acts prohibited in international law. Legal Research Quarterly. 2011; 14(56): 211-278. [Persian]
47. Razavifard B. The position of repairing damages caused to the victims of international crimes: from general international law to international criminal law. Legal Research Quarterly. 2011; 14(55): 115-133. [Persian]
48. Moradi Nodeh S. An overview of the International Court of Justice and its role in resolving international disputes with a focus on Iran's issues in the Court. Journal of the Faculty of Law. 2010; 14(55): 115-133. [Persian]
49. Askari P. Private Military and Security Companies and International Humanitarian Law. Journal of Legal Research. 2007; 6(12): 83-104. [Persian]
50. Mohebbi M, Ebrahimiloyeh S. The New Haven School in International Law, Rereading the relationship between power and international law. Rahbord Journal. 2017; 26(82): 181-206. [Persian]
51. Available at: <http://www.un.org.com.A/RES/69/243>. 2015, A/RES/71/128. 2017.

52. Helmi N. International government responsibility and political support. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2016. p.11-12. [Persian]